

Original Article

Comparative Study of the Insurer's Subrogation Principle in Iranian and British Law

Maryam Ahmadi¹, Seyyed Hossein Sadat Hosseini^{2*}, Amir Khajezadeh³, Alireza Hassani⁴

1. Ph.D. Student of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. (Corresponding Author) Email: Dr.saadathosseini699@yahoo.com

3. Department of Law, Faculty of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

4. Department of Law, Faculty of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

Received: 8 Dec 2019 Accepted: 14 Mar 2020

Abstract

The main purpose of this study is to investigate the basics of the insurer's subrogation principle in Iranian law and its application to British law. This research is done by document review of sources. Insurance contract has basic principles that are less applicable in other contracts due to its special features. Among these principles, we can mention the principle of good faith, the principle of compensation, the principle of prohibition of double benefit, the principle of deputy and the principle of representation. However, the subrogation Principle is one of the most important and practical principles governing indemnity insurance; the legal basis of this principle is rooted in Article 30 of the Insurance Law of 1316, which stipulates: The insurer to the extent that the damage is accepted or pays to the persons responsible for the occurrence of the accident or damage, becomes the representative of the insurer and if the insured takes action that is contrary to the said contract is held liable to the insurer. The legal nature of insurer's subrogation principle is a kind of personal successor that results from the payment of another debt. As can be seen, the mentioned Article is vague and general. In English law, the doctrine of subrogation is based on the rule of justice. The purpose of the Subrogation Principle in UK law is to prevent overpayment to the insurer in order to prevent it from being undue possession.

Keywords: The Insurer's Subrogation; Insurance Contract; British Law; Principle of Compensation

Please cite this article as: Ahmadi M, Sadat Hosseini SH, Khajezadeh A, Alireza H. Comparative Study of the Principle of Vice-Insurer in Iranian and British Law. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 233-247.*

بررسی تطبیقی اصل قائم‌مقامی بیمه‌گر در حقوق ایران و انگلستان

مریم احمدی^۱، سیدحسین سادات‌حسینی^{۲*}، امیر خواجه‌زاده^۳، علیرضا حسینی^۴

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Dr.saadathosseini699@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

چکیده

هدف اصلی در این پژوهش بررسی مبانی اصل قائم‌مقامی بیمه‌گر در حقوق ایران و تطبیق آن با حقوق انگلستان است. این پژوهش به شیوه بررسی اسنادی منابع انجام می‌شود. عقد بیمه دارای اصول اساسی است که این اصول به دلیل ویژگی‌های خاص آن در دیگر عقود کاربرد کم‌تری دارد؛ از جمله این اصول می‌توان به اصل حسن نیت، اصل جبران خسارت، اصل منع نفع مضاعف و اصل قائم‌مقامی اصل نمایندگی اشاره کرد. این در حالی است که اصل قائم‌مقامی در زمره مهم‌ترین و کاربردی‌ترین اصول حاکم بر بیمه‌های غرامتی است که مبنای قانونی این اصل ریشه در ماده ۳۰ ق.ب. ۱۳۱۶ دارد که مقرر نموده است: بیمه‌گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می‌کند، در مقابل اشخاصی که مسؤول وقوع حادثه یا خسارت هستند، قائم‌مقام بیمه‌گذار می‌گردد و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد، در مقابل بیمه‌گر مسؤول شناخته می‌شود. ماهیت حقوقی اصل قائم‌مقامی، نوعی قائم‌مقامی شخصی است که در نتیجه پرداخت دین دیگری ایجاد می‌شود. چنانچه ملاحظه می‌شود ماده مذکور، مبهم و کلی است. در حقوق انگلستان دکترین قائم‌مقامی بر اساس قاعده انصاف قرار داده شده است. اصل قائم‌مقامی در حقوق این کشور به منظور جلوگیری از پرداخت اضافی به بیمه‌گذار با هدف پیشگیری از داراشدن بلاجهت وی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قائم‌مقامی بیمه‌گر؛ عقد بیمه؛ حقوق انگلیس؛ اصل جبران خسارت

مقدمه

بیمه قراردادی است که در آن یک شرکت بیمه تحت عنوان بیمه‌گر، بنا به قرارداد تعهد می‌کند که در صورت وقوع حادثه در یک دوره زمانی خاص، زیان احتمالی مشتری یا همان بیمه‌گذار را جبران کند و یا خدمات مشخصی را به وی ارائه دهد. در حال حاضر بیمه را یکی از روش‌های مقابله با ریسک تلقی می‌نمایند (۱).

مسئولیت مدنی در کنار نظام نوین جبران خسارت، یعنی بیمه بررسی می‌شود. فرض بر موازی بودن دو نظام جبران خسارت و عدم لغو یکی از آن‌هاست. مفهوم قائم‌مقامی ریشه در حقوق رم دارد (۲). اصول حقوقی رم به گونه‌ای بود که اگر فردی دین فرد دیگر را به شخص ثالثی پرداخت می‌کرد، شخص ثالث به همان میزان قائم‌مقام بستانکار می‌شد و می‌توانست آن را از مدیون اصلی مطالبه کند. قاعده جانشینی از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم وارد حقوق انگلستان شد و محاکم عدالت و محاکم عرفی این کشور در آرای مختلف از جمله دعاوی بیمه، حق جانشینی را پذیرفته و به استناد آن، آرای خود را صادر می‌کردند. از آن پس این قاعده به عنوان یک قاعده مسلم وارد قراردادهای بیمه اموال، مسئولیت و بیمه دریایی شد (۳).

با این‌که میان نویسندگان حقوقی در رابطه با تعریف عقد بیمه اختلاف نظرهای متفاوتی هست، اما باید توجه داشت که در حال حاضر تعریف رسمی و قانونی از عقد بیمه وجود دارد. این تعریف سنتی که در ماده ۱ ق.ب. مصوب ۱۳۱۶ به آن اشاره شده است، مقرر می‌دارد: بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت بروز یا وقوع حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نماید یا وجه معینی بپردازد.

در نظام حقوقی انگلستان تعریف واحدی از عقد بیمه نشده است، اما قاضی چنل تعریف عامی را که ماهیت عقد بیمه را نشان می‌دهد، در پرونده بیمه احتیاطی ارائه کرده است: بیمه، قراردادی است معوض که اغلب اوقات، نه همواره، مبالغی به نام حق بیمه به صورت دوره‌ای در مواقع معین پرداخت می‌شود و شما منافعی را برای خودتان تأمین

می‌کنید، این منافع اغلب اوقات، نه همواره به صورت مبالغی پول است که در حق شما پرداخت خواهد شد مشروط به رخ دادن وقایعی... این واقعه باید محتمل‌الوقوع باشد، اعم از این‌که به وقوع بپیوندد یا خیر. همچنین بیمه باید در مقابل چیزی (خطری) باشد (۴).

به نظر می‌رسد امروزه نهادهای مختلفی برای جبران خسارت زیان‌دیدگان به کار می‌رود که از جمله می‌توان به نهادهای مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی اشاره کرد که در واقع بدین صورت عمل می‌کنند، چنانچه خسارت وارد شده از طریق سه نهاد فوق قابل جبران باشد، جمع مبالغ قابل پرداخت از طریق سه شریک فوق مطرح می‌شود که معتبرترین شیوه جبران خسارت توسط بیمه‌گر به عنوان قائم‌مقام و رجوع او به مسبب زیان است. از میان سیاست‌های گوناگونی که برای اعمال موضوع مذکور وجود دارد، اصل قائم‌مقامی بیمه‌گر به جای بیمه‌گذار است. می‌توان گفت که در اکثر نظام‌های حقوقی جهان این اصل یکی از اصول پذیرفته شده بیمه‌ای به شمار می‌آید (۳). در واقع این قاعده مکمل اصل جبران غرامت است. از آنجا که مسئولیت جبران بیشترین زیان ناشی از مسئولیت مدنی بر عهده شرکت‌های بیمه است، اجرای این اصل موجب می‌شود که متضرر بیش از آنچه خسارت دیده، غرامت دریافت نکند و مسبب ورود زیان نیز نتوان اعمال خود را به نسبت ضرر وارده بپردازد. با اجرای این اصل، حقوق و تکالیف بیمه‌گذار به بیمه‌گر به عنوان قائم‌مقام وی انتقال می‌یابد، اما در عین حال اعمال این اصل یکسری تکالیف را نیز به بیمه‌گذار تحمیل می‌کند.

مفهوم قائم‌مقامی بیمه‌گر در حقوق ایران و انگلستان

مفهوم قائم‌مقامی بیمه‌گر در حقوق ایران و انگلستان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. برای شناخت بهتر و عمیق این شباهت‌ها و وجوه افتراق، لازم است ابتدا به صورت جداگانه در حقوق ایران و انگلستان قائم‌مقامی بیمه‌گر تعریف شود.

۱- مفهوم قائم‌مقامی بیمه‌گر در حقوق ایران

نویسندگان حقوقی ایران در مقام تشریح از اصل قائم‌مقامی، تعاریف مختلفی در این باب ارائه کرده‌اند. عده‌ای

معتقدند که در بسیاری از موارد خسارت وارده بر اثر غفلت، کوتاهی و قصور اشخاص به وجود می‌آید، لیکن معمولاً بیمه‌گذاران تمایل ندارند که از دریافت خسارت خود از بیمه‌گر صرف نظر و به مسؤؤل حادثه رجوع کنند (۵).

اصل قائم‌مقامی بیمه‌گر به معنای رجوع بیمه‌گر به عنوان قائم‌مقام بیمه‌گذار به عامل زیان از طریق اقامه دعوی مسؤولیت مدنی است، به سبب وقوع حادثه‌ای که بیمه‌گر به عنوان قائم‌مقام، مبلغی را به عنوان خسارت به بیمه‌گذار پرداخته است (۵).

با توجه به این که قواعد مسؤولیت مدنی، با هدف جبران ضرر زیان‌دیده برقرار شده‌اند، اگر به هر طریقی خسارت زیان دیده جبران شده باشد، مسؤولیت مدنی هم به دنبال آن از بین می‌رود و زیان‌دیده نمی‌تواند به عامل زیان رجوع کند. به بیان دیگر یکی از شرایط مسؤولیت مدنی این است که ضرر وارده جبران نشده باشد (۳). در نظام‌های حقوقی نظیر آمریکا، انگلستان و برخی مناطق کانادا، اصل قائم‌مقامی بر تئوری انصاف استوار است. مقتضای این قاعده، جلوگیری از پرداخت اضافی به بیمه‌گذار به منظور پیشگیری از داراشدن بلاجهت وی است، بدین معنا که بیمه‌گذار نمی‌تواند به قیمت متضرر شدن بیمه‌گر وجوهی اضافی تحصیل کند. بنابراین اعمال یا عدم اعمال آن را در موارد مختلف ناشی از ملاحظات مربوط به وجدان و انصاف می‌دانند تا جایی که این حق بیمه‌گر را خارج از روابط قراردادی و نسبی طرفین (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) تفسیر نموده و آن را منبعث از ماهیت قرارداد بیمه به عنوان قرارداد جبران خسارت به حساب می‌آورند (۳).

به تعبیر برخی از نویسندگان، قائم‌مقامی بیمه‌گر به دلیل ویژگی خاص آن و مستند به نص ماده ۳۰ ق.ب. از نوع قائم‌مقامی شخصی، قانونی و خاص است (۶). معمولاً به قائم‌مقامی بیمه‌گر در قرارداد تأکید می‌شود، بدین صورت که بیمه‌گران در فرم قراردادهای بیمه به قائم‌مقامی خویش اشاره می‌کنند.

بنابراین از آنجا که این قائم‌مقامی به موجب حکم قانون و با استناد به ماده ۳۰ ق.ب. صورت می‌گیرد، چنانچه قرارداد بیمه نسبت به رجوع بیمه‌گر سکوت اختیار کرده باشد، حق رجوع برای بیمه‌گر وجود خواهد داشت. اصل قائم‌مقامی فقط

در بیمه‌های اموالی که ماهیت جبران خسارت دارند، صورت می‌گیرد و به موجب حکم قانون بیمه، بیمه‌گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می‌کند، در مقابل اشخاصی که مسؤؤل وقوع حادثه یا خسارت هستند، قائم‌مقام بیمه‌گذار می‌گردد و در نتیجه و به حکم ذیل ماده ۳۰ ق.ب.، اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد، در مقابل بیمه‌گر مسؤؤل شناخته می‌شود (۷).

۲- مفهوم قائم‌مقامی بیمه‌گر در حقوق انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان، جانشینی از لحاظ لغوی به معنای جایگزینی است. این اصطلاح در چارچوب حقوق کشورهای انگلیسی و کشورهای مشترک المنافع به کار می‌رود و در واقع به توصیف موقعیتی می‌پردازد که یک شخص جایگزین شخصی دیگر می‌شود تا حقوق آن شخص را علیه شخص ثالث دیگری به نفع خودش به اجرا بگذارد. استحقاق قائم‌مقامی در حقوق دیگری برای اقامه دعوا علیه شخص ثالث ممکن است به موجب قرارداد اعطا شده باشد که قائم‌مقامی قراردادی نامیده می‌شود، ولی در مقابل زمانی پیش می‌آید که قائم‌مقامی ناشی از یک الزام قانونی است که به عنوان یک شیوه جبران خسارت از سوی قانونگذار و محاکم مورد حکم واقع می‌شود که به آن قائم‌مقامی قانونی گفته می‌شود (۸).

چنانکه ملاحظه می‌شود، در این نظام حقوقی، اصطلاح قائم‌مقامی از معنای بسیار گسترده‌ای تبعیت می‌کند که در موقعیت‌های گوناگون از جمله در خصوص بحث قائم‌مقامی ضامن در حقوق دائن علیه مضمون‌عنه یا قائم‌مقامی ظهرنویس پرداخت‌کننده برات در حقوق دارنده برات کاربرد دارد، اما می‌توان گفت بیشترین کاربرد آن در خصوص حقوق بیمه و مربوط به یکی از اصول مهم حاکم بر قراردادهای بیمه‌ای است که همان اصل قائم‌مقامی بیمه‌گر می‌باشد. گفته شده که قائم‌مقامی حقی است متعلق به بیمه‌گران که به محض پرداخت خسارت وارده به بیمه‌گذار، کلیه حقوق و خسارت‌هایی را که از خطر موضوع بیمه ناشی شده و متعلق به بیمه‌گذار بوده از شخص ثالث مسؤؤل زیان ریکآوری کنند. غالباً این حق در متن قراردادهای بیمه تصریح می‌شود، کما این که اگر در متن بیمه‌نامه هم اشاره نشده باشد، در هر حادثه‌ای قابل

نوع بیمه‌ها بیمه اختیاری نیز گفته می‌شود. با توجه به موضوع مقاله بهترین تقسیم‌بندی که برای این‌گونه بیمه‌ها می‌توان انجام داد دسته‌بندی بر اساس نوع تعهدات بیمه‌گر است که بر مبنای آن می‌توان آن‌ها را به بیمه‌های خسارتی و بیمه‌های اشخاص تقسیم کرد که هر یک نیز اقسامی دارد (۱۴).

۱-۲- بیمه‌های خسارتی: در این نوع بیمه‌ها در هر حادثه‌ای تعهدات بیمه‌گر بسته به نوع خسارت وارده متفاوت خواهد بود. در واقع می‌توان گفت هدف از این نوع بیمه‌ها حفظ سقف دارایی بیمه‌گذار است (۱۵).

۱-۱-۲- بیمه‌های اموال: بیمه‌ها چه از نوع زمینی باشند و چه در نوع دریایی، بیمه‌گر در رجوع به مسؤل حادثه، قائم‌مقام بیمه‌گذار می‌شود. قاعده جانشینی در حقوق بیمه، مختص بیمه‌هایی با ماهیت جبران خسارتی است که از آن‌ها تحت عنوان بیمه‌های اموال یاد می‌شود.

۱-۲- بیمه اعتبار: تاریخچه بیمه اعتباری در حقوق ایران به تأسیس صندوق ضمانت صادرات ایران در سال ۱۳۵۲ برمی‌گردد (۱۵)، چون صندوق ضمانت صادرات ایران، اولین مؤسسه‌ای است که در زمینه بیمه اعتبار صادرات کالا در ایران شروع به فعالیت کرده است. خطراتی که این نوع بیمه‌ها را تهدید می‌کند، عبارت‌اند از: احتمال عدم وصول طلب به عللی چون ورشکستگی، فوت، از کارافتادگی طرف مقابل. بیمه‌گذار در این نوع بیمه‌ها در معرض خطر تأخیر در وصول مطالبات یا عدم وصول مطالبات است و بیمه‌گر شخصی است که این خطر به وی منتقل شده است. در حقوق انگلستان، برای نخستین‌بار فعالیت بیمه‌های اعتبار در سال ۱۸۲۰ با تأسیس شرکت بیمه‌های بازرگانی بریتانیا آغاز به کار کرد (۱۶)، اما سازمان ضمانت صادرات اعتباری انگلستان (ECGD) که یک سازمان دولتی است، به موجب قانون بیمه اعتبارات صادراتی انگلستان در سال ۱۹۱۹ تأسیس شد و از سال ۱۹۳۰ شروع به کار نمود (۱۵). در حقوق این کشور، اصل قائم‌مقامی در بیمه‌های اعتباری کاربرد دارد، برای نمونه بیمه‌نامه Ncm (۱۷).

در مورد بیمه تضمین دین، مسأله مورد بررسی میزان معینی وجه نقد است که بیمه‌گر در نقش ضامن بیمه‌گذار، در صورتی که وی تحت شرایط قرارداد، قادر به پرداخت نباشد، بر

اعمال است، مشروط براین‌که وجود شرط مخالفی در قرارداد بیمه نباشد (۹).

اقسام بیمه در حقوق ایران و انگلستان

نویسندگان بیمه بسته به اعتبارات و درجات بیمه، بیمه‌نامه‌ها را به انواع گوناگونی تقسیم کرده‌اند: برخی معتقدند قراردادهای بیمه از لحاظ طبیعت تعهدات قراردادی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار به بیمه خسارت و بیمه اشخاص تقسیم می‌شود که هر یک از این‌ها خود دارای اقسامی است (۶). برخی نیز بر اساس طبیعت خطر آن را به سه دسته هوایی، زمینی و دریایی تقسیم کرده‌اند. در یک تقسیم‌بندی دیگر نیز بیمه‌نامه‌ها به بیمه‌های زندگی و غیر زندگی تقسیم می‌شود (ماده ۷۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران). در عرف جهانی نیز بیمه‌نامه‌ها به بیمه اجتماعی، بازرگانی و تعاونی دسته‌بندی می‌شود (۱۰).

در راستای شناخت دقیق انواع بیمه‌نامه‌ها به دلیل نبود مؤسسات بیمه تعاونی در کشورمان، تقسیم‌بندی زیر ارائه می‌شود:

۱- بیمه‌های اجتماعی

بیمه‌هایی است که در جهت ایجاد رفاه عمومی و ارائه خدمات به شهروندان صورت می‌گیرد که ممکن است منابع آن را دولت یا اشخاص ثالث تأمین کنند (۱۱). هدف از این نوع بیمه‌ها حمایت از اقشار کم‌درآمد جامعه به تناسب است؛ این نوع بیمه‌ها که به آن بیمه‌های اجباری یا بیمه‌های ناشی از قانون نیز می‌گویند، به دنبال افزایش رفاه عمومی می‌باشند. (۱۲). در حقوق انگلستان، جدیدترین قوانین بیمه‌های اجتماعی در دهه نود به تصویب رسید و کماکان در حال اجراء است. این قوانین عبارت‌اند از: قانون جدید بازنشستگی مصوب ۱۹۹۵، قانون اصلاحات رفاه و بازنشستگی مصوب ۱۹۹۹، قانون حمایت کودکان و قانون بازنشستگی و تأمین اجتماعی مصوب ۲۰۰۰ (۱۳).

۲- بیمه‌های بازرگانی

در این نوع بیمه‌ها بیمه‌گذار بنا بر میل و اختیار خود به تهیه انواع پوشش‌های بیمه بازرگانی اقدام می‌کند که به این

عهده می‌گیرد. با توجه به این که مؤسسات اعتباری از مشتریان خود ضامن طلب می‌کنند تا هر گاه اعتبارگیرنده از پرداخت اصل و کارمزد آن خودداری کرد، بتوانند بدهی مشتری را از ضامن دریافت کنند، بیمه‌گر در این نوع بیمه، نقش ضامن بیمه‌گذار را ایفا می‌کند. به موجب این قرارداد در صورت عدم بازپرداخت اقساط وام اعطایی، بیمه از آنان جبران خسارت می‌کند. پس از آن بیمه‌گر به قائم‌مقامی از طلبکار به مدیون مراجعه و مبلغ وام را از بدهکار مطالبه می‌کند. این نوع بیمه، کارکردی شبیه به عقد ضمان دارد. این نوع بیمه‌ها بالاترین مبالغ بازیافتی را در دعاوی قائم‌مقامی به خود اختصاص می‌دهند، زیرا غالباً طلبکارانی با طلب‌های سنگین طلب خود را بیمه می‌کنند (۳؛ ۱۸).

۳-۱-۲- بیمه عدم‌النفع: آثار وقوع هر خطری که به پرداخت غرامت یا ورود خسارت منجر می‌شود، فقط به صورت مستقیم، یعنی از دست‌دادن منابع نیست، بلکه آثار غیر مستقیم آن را می‌توان چنین نام برد: افزایش هزینه عملیاتی، کاهش درآمد، بالارفتن هزینه تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری قبلی. تمهیداتی که برای پوشش‌دادن به این نوع خسارات که به صورت غیر مستقیم وارد می‌آید، اندیشیده‌اند، بیمه عدم‌النفع نامیده می‌شود (۱۹).

می‌توان گفت که موضوع بیمه عدم‌النفع، جسم یا شیء مادی نیست، بلکه در واقع تأمین زیان پولی اعم از هزینه‌های جاری و سود است که بیمه‌گذار در اثر تحقق خطرات بیمه شده و توقف تولید از دست داده است (۱۹). شایان ذکر است که در حقوق انگلستان این نوع بیمه‌ها برای نخستین بار در سال ۱۸۸۰ که به عنوان امنیت تولید ذکر شده، ارائه شد (۲۰).

۴-۱-۲- بیمه‌های مسؤولیت: در این نوع بیمه‌ها که از زمره بیمه‌های خسارتی و تابع اصل جبران خسارت هستند، تعهد بیمه‌گر جبران ضرر و خسارتی است که به اشخاص ثالث وارد شده و بیمه‌گذار مسؤول خسارت شناخته می‌شود. همچنین از آثار و نتایج اصل جبران خسارت، می‌توان به عدم امکان مراجعه بیمه‌گذار به عامل ورود زیان و در نتیجه پیدایش اصل قائم‌مقامی اشاره کرد. در واقع در بیمه‌های

مسؤولیت، بیمه‌گر به جبران خسارت اشخاص ثالث نمی‌پردازد، بلکه به جبران زیان‌هایی می‌پردازد که بیمه‌گذار قانوناً مسؤول وقوع آن بوده و ملزم است که از اموال و دارایی خود آن‌ها را جبران کند (۵).

در رابطه با نظام حقوقی کشور انگلستان می‌توان گفت که اصل قائم‌مقامی، در کلیه قراردادهای بیمه‌ای که از لحاظ ماهیت قرارداد، جبران غرامت هستند، کاربرد دارد. با این حال در تألیفات یکی از نویسندگان انگلیسی آمده که این نظریه به بیمه‌های اموال محدود شده است (۲۱).

مبنای قائم‌مقامی از دین ناشی از خسارت وارد شده توسط ثالث مسؤول، در برابر بیمه‌شده زیان‌دیده، نشأت می‌گیرد. بنابراین در صورتی که زمینه یک دعوی مسؤولیت پدید آمده باشد، دعوی قائم‌مقامی شکل می‌گیرد. بیمه‌گر با پرداخت خسارت به ذی‌نفع بیمه، در دعوا علیه ثالث مسؤول حادثه، قائم‌مقامی می‌یابد. منظور از ثالث، شخصی غیر از بیمه‌گذار است. همچنین در مواردی که بیمه اموال، برای اموال غیر منعقد شده و ذی‌نفع بیمه شخصی غیر از بیمه‌گذار باشد، هر کسی غیر از ذی‌نفع بیمه، ثالث محسوب می‌شود، حتی اگر مسؤول حادثه خود بیمه‌گذار باشد (۳؛ ۲۲).

۲-۲- بیمه‌های اشخاص: بیمه‌های اشخاص در مقابل

بیمه‌های خسارتی قرار دارد و از لحاظ ماهیت با این نوع بیمه‌ها متفاوت است. از این رو بیمه‌های اشخاص احکام و شرایط خاصی دارد. در واقع می‌توان گفت که احکام و شرایط بیمه‌های خسارتی در مورد بیمه‌های اشخاص قابل اعمال نیست، زیرا هدف در بیمه‌های خسارتی، جبران خسارت وارده می‌باشد، ولی هدف از بیمه‌های اشخاص، پرداخت وجهی مقطوع در صورت تحقق خطر است و در این نوع بیمه‌ها، اصل جبران خسارت وجود ندارد (۲۳).

این موضوع بدین معناست که چنانچه هر یک از خطرات موضوع بیمه محقق شود، بیمه‌گر مکلف است مبلغی را که مورد پوشش بیمه است و در قرارداد بیمه مشخص شده، فارغ از میزان واقعی خسارات وارده به بیمه‌گذار پرداخت کند که به همین دلیل به این نوع بیمه‌ها بیمه‌های سرمایه نیز گفته می‌شود (۱۰). بنابراین بیمه‌گذار می‌تواند به طور هم‌زمان از

دارای جنبه و ماهیت جبران خسارتی هستند. در واقع در بیمه‌های مسؤولیتی که دارای جنبه خسارتی است، مشروط بر این که قائم مقامی با فلسفه بیمه مسؤولیت خاص منافی نباشد، با این که رجوع در این بیمه‌ها اصولاً مطرح نیست، قائم مقامی مطرح می‌شود و علی‌الاصول قائم مقامی بر پایه اصل رجوع، در بیمه‌های اشخاص ممنوع اعلام شده، زیرا در بیمه‌هایی که ماهیت سرمایه‌گذاری دارند، نه جنبه جبران خسارتی مانند بیمه عمر، قائم مقامی منتفی است، اما در مقابل در برخی از بیمه‌های اشخاص که در آن‌ها بحث خسارت جانی و مقوله هزینه درمان زیاد به چشم می‌خورد، می‌توان رجوع به مسؤولان حوادث، بیمه‌های خصوصی و سازمان‌های تأمین اجتماعی را مجاز دانست، زیرا ملاک تعیین‌کننده در برقراری اصل قائم مقامی بیمه‌گر، تفکیک و تقسیم‌بندی بیمه‌ها نیست، بلکه جنبه غرامتی بودن پرداخت بیمه‌گر ملاک عمل خواهد بود (۷). حال می‌خواهیم مبانی حقوقی این اصل را در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان تجزیه و تحلیل کنیم.

۱- مبانی حقوقی اصل قائم مقامی در حقوق ایران

در حقوق بیمه ایران از زمانی که اولین قوانین مربوط به بیمه تصویب شد، مقوله رجوع بیمه‌گران به عامل ورود زیان بر مبنای اصل قائم مقامی مطرح شده است. به هر حال پیش از این که نخستین قانون بیمه (۱۳۱۶ ش.) تصویب شود، اولین شرکت‌های بیمه‌ای در ایران از سال ۱۳۱۰ شروع به فعالیت کرده و امکان طرح دعوی قائم مقامی را داشته‌اند، اما از این دوره شش‌ساله که به زمان فترت قانونی در حقوق بیمه نامگذاری شده است، در مورد نحوه عملکرد شرکت‌های بیمه هیچ گزارش مکتوبی به دست نیامده است (۱۱). برای این که به مبانی حقوقی اصل قائم مقامی در حقوق ایران بپردازیم، لازم است اصول و قواعد حقوقی، قوانین موضوعه و قرارداد را به طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۱-۱- اصول و قواعد حقوقی: می‌دانیم که اساس و

مبنای تشکیل‌دهنده هر نهاد حقوقی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد حقوقی هستند که زیربنا و پشتوانه‌های آن نهاد حقوقی نامیده می‌شود. اصل قائم مقامی بیمه‌گر هم از این موضوع مستثنا نیست، به نحوی که این اصل از اصول مسلمی منبعت

چندین بیمه‌نامه یا تأمین بهره‌مند شود، زیرا ارزش انسان قابل تبدیل به پول نیست (۱۰). شایان ذکر است که یک استثنا در مورد بیمه‌های اشخاص وجود دارد و آن هزینه‌های دارو و درمان است که جزء بیمه‌های خسارتی و تابع اصل جبران خسارت می‌باشد (۲۴).

مضافاً این که حفظ سلامتی بیمه شده و حیات وی، موضوع اصلی این نوع بیمه‌هاست. به عبارت دیگر موضوع بیمه‌های اشخاص، تأمین بیمه‌گذار در مقابل نگرانی‌های مربوط به معیشت وی در دوران کهولت یا تأمین معیشت خانواده وی پس از فوتش و نیز تأمین هزینه درمان خانواده و خود اوست (۲۵).

۱-۲-۲- بیمه‌های درمان: عقد بیمه درمان، قراردادی است که چنانچه سازمان‌های بیمه خدمات درمانی یا تأمین اجتماعی، بخشی از هزینه‌های بیمارستان و جراحی ناشی از بیماری، حادثه و سایر هزینه‌های اضافی را جبران نکرده باشند، مسؤولیت جبران را بر عهده می‌گیرد (۲۵).

به این قسم از بیمه‌ها بیمه بیماری یا بیمه بهداشت و تندرستی نیز اطلاق می‌شود که از اصل جبران خسارت متابعت می‌کند، زیرا هدف مهم این بیمه‌ها، تأمین و جبران هزینه‌های درمانی است، لذا بیمه‌گر تا میزان مبلغ بیمه‌شده، ملزم به جبران هزینه‌های پزشکی است و تعهد او پرداخت مبلغی مقطوع نیست (۱۰).

حال آنکه در حقوق انگلستان، نویسندگان بیمه، قراردادهای بیمه‌ای را به اقسام گوناگونی دسته‌بندی کردند. بیشتر آنان هنگام بحث از اصول حاکم بر قراردادهای بیمه‌ای به خصوص اصل قائم مقامی بیمه‌گر، تقسیم‌بندی نظیر آنچه در حقوق ایران انجام شده است، ارائه داده‌اند، یعنی از نظر آنان، بیمه‌ها به دو قسم کلی: ۱- بیمه‌های غرامتی یا خسارتی که خود شامل انواع مختلف بیمه‌های اموال و مسؤولیت است؛ ۲- بیمه‌های غیر غرامتی که خود شامل انواع مختلف بیمه‌های زندگی است، دسته‌بندی می‌شود.

مبانی حقوقی اصل قائم مقامی در حقوق ایران و انگلستان

اصولاً اصل قائم مقامی در بیمه‌های اشیا صورت می‌گیرد. دعوی قائم مقامی بیمه‌گر غالباً در بیمه‌هایی مطرح است که

نموده: بیمه‌گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می‌کند، در مقابل اشخاصی که مسؤول وقوع حادثه یا خسارت هستند، قائم‌مقام بیمه‌گذار می‌گردد و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد، در مقابل بیمه‌گر مسؤول شناخته می‌شود، هم‌چنانکه قبلاً هم متذکر شدیم، این اصل قابلیت اعمال در کلیه بیمه‌های اموال را، یعنی آن دسته از بیمه‌های مسؤولیت که بیمه‌گذار صرفاً مسؤول پرداخت خسارت است نه مدیون نهایی آن و همچنین آن دسته از بیمه‌های اشخاص که تابع اصل جبران خسارت هستند، دارد.

ملاک ماده ۱۴ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵

در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس‌راه، علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد، بیمه‌گر مکلف است خسارت زیان‌دیده را بدون هیچ شرط و اخذ تضمین پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به شرح زیر برای بازیافت به مسبب حادثه مراجعه کند:

- در اولین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه‌نامه: معادل دو و نیم درصد (۲/۵ درصد) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت شده.

- در دومین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه‌نامه: معادل پنج درصد (۵٪) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت شده.

- در سومین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز و حوادث بعد از آن در طول مدت بیمه‌نامه: معادل ده درصد (۱۰٪) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت شده.

حسب موارد فوق، بیمه‌گر وقتی می‌تواند به عنوان قائم‌مقام به مسبب ورود زیان مراجعه کند که اجتماع شرایط زیر را داشته باشد: ۱- حادثه رانندگی منجر به جرح یا فوت شده باشد؛ ۲- علت اصلی وقوع حادثه به استناد گزارش کارشناسان معتبر، یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد؛ ۳- بیمه‌گر

شده که در ایجاد آن نقش بارزی داشته است. برای مثال اصل جبران خسارت که بر بیمه‌های غرامتی حاکم است، از جمله اصول و قواعد حقوقی است که می‌توان نام برد، بدین‌گونه که جبران خسارت بیمه‌گذار فقط به اندازه زیانی است که به وی وارد شده، به شکلی که بیمه‌گذار متضرر در وضعیتی قرار گیرد که قبل از تحمل خسارت داشته است. همین امر سبب می‌شود که بیمه‌گذار بعد از این‌که خسارت وی توسط بیمه‌گر جبران شد، نتواند مجدداً بابت همان ضرر مطالبه خسارت کند. از این اصل، اصول و قواعدی فقهی منبعث می‌گردد، نظیر «اصل لزوم جبران نشده بودن ضرر»، «اصل منع دریافت خسارت مضاعف بابت یک زیان» به منظور جلوگیری از داراشدن ناعادلانه، «قاعده منع سوءاستفاده از حق»، «اصل لزوم تحمیل بار نهایی مسؤولیت به عهده مسبب حادثه» به منظور جلوگیری از بی‌احتیاطی افراد و حفظ نظم عمومی در جامعه و یا «منع اضرار به غیر» به طوری که به استناد ماده ۳۰ ق.ب.، حقوق بیمه‌گذار بلافاصله پس از پرداخت خسارت یا قبول آن به بیمه‌گر منتقل شود. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که اصل قائم‌مقامی بیمه‌گر از اصول و قواعد فقهی فوق متولد شده که بر بیشتر بیمه‌های دارای سرشت غرامتی حاکم است و تبعات حقوقی گسترده‌ای دارد.

۱-۲- قوانین موضوعه: در نظام حقوقی ایران، اساسی‌ترین منبع حقوقی اصل قائم‌مقامی، ملاک ماده ۳۰ ق.ب. می‌باشد که مبنای قانونی این اصل نیز شناخته شده است. علاوه بر ماده فوق، قانونگذار به مواد قانونی دیگری نیز اشاره داشته که از آن‌ها نیز به عنوان مبنا و مستند قانونی اصل قائم‌مقامی یاد کرده است که از آن جمله می‌توان به مواد ۱۴ و ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ اشاره کرد.

ملاک ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶

این ماده که جزء اصلی‌ترین منبع حقوقی و به عنوان مبنای قانونی اصل قائم‌مقامی شناخته شده، در واقع مجوزی است برای بیمه‌گر برای بازیافت خسارات پرداخت شده و طرح دعوا علیه عامل ورود زیان، چنانچه ماده ۳۰ ق.ب. ۱۳۱۶ مقرر

- رانندگی در حالت مستی، استعمال مواد مخدر یا روان گردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

- در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهی‌نامه رانندگی باشد یا گواهی‌نامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

- در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

حسب موارد فوق، بیمه‌گر وقتی می‌تواند به عنوان قائم‌مقام به مسبب ورود زیان مراجعه کند که خسارات وارده به زیان‌دیده را بدون هیچ قید و شرط و اخذ تضمین پرداخته باشد.

همانطور که در نص ماده فوق مشاهده می‌شود، بیمه‌گر پس از جبران خسارت زیان‌دیده به عنوان قائم‌مقامی از زیان‌دیده می‌تواند به راننده ورود زیان (بیمه‌گذار) رجوع کند، در حالی که در ماده ۳۰ متذکر شدیم که بیمه‌گر در رجوع به عامل ورود خسارت، قائم‌مقام بیمه‌گذار می‌شود نه قائم‌مقام شخص ثالث زیان‌دیده. در واقع علت اصلی این تفاوت در ماهیت و مبنای خاص بیمه‌های مسؤلیت مدنی و عدم وجود شخص ثالث عامل ورود زیان در این قبیل بیمه‌هاست. همان گونه که نیک واقفید موضوع بیمه‌های مسؤلیت، تحت پوشش قراردادن آثار اعمال زیان‌بار بیمه‌گذار است. در واقع در اثر ارتکاب تقصیر یا دیگر شرایط قرارداد بیمه، بیمه‌گذار متعهد و مدیون پرداخت مبالغی به اشخاص ثالثی که هیچ دخالتی در قرارداد بیمه نداشته‌اند، می‌شود. شرکت بیمه در جهت حمایت از او و براساس تعهدات قراردادی خود، مبادرت به جبران خسارت اشخاص ثالث می‌کند و دیگر به هیچ عنوانی حق مراجعه به بیمه‌گذار خود برای استرداد آنچه را که پرداخته است ندارد، زیرا در غیر این صورت نقض غرض خواهد بود. منتها قانونگذار در چند مورد به طور استثنائی حق مراجعه به بیمه‌گذار را برای بیمه‌گر محفوظ نگه داشته است که به این موارد در ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ اشاره شده که در قالب سه دسته کلی تقسیم‌بندی شده که عبارت‌اند از: ۱- اثبات عمد مسبب زیان در ایجاد

خسارات وارده به زیان‌دیده را بدون هیچ قید و شرط و اخذ تضمین پرداخته باشد (۲۶).

رجوع بیمه‌گر به مسبب زیان، ماهیت حقوقی مستقلی دارد و نمی‌توان آن را در قالب نهادهای مشابه قرار داد، بلکه تحلیل آن تنها بر مبنای احکام قانون و اهداف آن ممکن است (۲۷).

برای توجیه قانونی حق مراجعه بیمه‌گر به مسؤول عامل زیان نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که از جمله می‌توان به مورد زیر اشاره کرد: همانطور که قبلاً متذکر شدیم، مبنای قانونی اصل قائم‌مقامی، ملاک ماده ۳۰ ق.ب. مصوب ۱۳۱۶ است. از طرفی ملاک ماده ۱۴ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ را نیز به عنوان مستند قانونی دیگر اصل قائم‌مقامی یاد کردیم که به نوعی هر دوی آن‌ها به حادثه‌ای که تحت پوشش بیمه قرار دارد و در پی تقصیر یک عامل انسانی که به خسارتی منجر شده و بیمه‌گر به عنوان قائم‌مقام بیمه‌گذار زیان‌دیده، خسارات ایجاد شده را پرداخته است؛ این حق برای وی به موجب اصل قائم‌مقامی به وجود آمده که می‌تواند برای بازیافت آنچه پرداخته به مسؤول ورود زیان مراجعه کند. تنها تفاوتی که بین دو ماده مذکور وجود دارد، این است که قانونگذار در ماده ۳۰ به بیمه‌گر حق داده که معادل آنچه پرداخته به مسؤول ورود زیان مراجعه کند، اما در ماده ۱۴ این میزان را تقلیل داده و فقط برای بازیافت مبلغی معادل ۲/۵ درصد یا معادل ۵٪ یا معادل ۱۰٪ از خسارت‌های بدنی و مالی، حق مراجعه برای بیمه‌گر قائل شده است.

ملاک ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵

در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است، مراجعه کند:

- اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضایی.

حادثه؛ ۲- رانندگی در حالت مستی، استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان مؤثر در وقوع حادثه؛ ۳- فقدان گواهی‌نامه رانندگی راننده مسبب یا عدم تناسب آن با نوع وسیله نقلیه.

در واقع قانونگذار این سه دسته را که نوعی سوءاستفاده بیمه‌گذار از قرارداد بیمه محسوب می‌شود، از شمول پوشش بیمه مسؤلیت خارج کرده است. بدین معنا که توزیع نهایی خسارت را بر عهده خود عامل ورود زیان قرار داده و نقش بیمه‌گر تنها واسطه‌ای برای حمایت از زیان‌دیده است، نه پوشش‌دادن به مسؤلیت مسبب زیان، لذا بدین سبب حق مراجعه به چنین بیمه‌گذاری را برای بیمه‌گر محفوظ نگه داشته است (۲۷).

علاوه بر مورد فوق، هدف قانونگذار از وضع ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ با هدفی که از وضع اصل قائم‌مقامی داشته، تفاوت فاحشی دارد که برای پاسخ به این سؤال لازم است مصادیق ماده فوق را به سه دسته کلی تقسیم کنیم:

- دسته اول: اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه: به موجب ماده ۱۴ ق.ب. که مقرر می‌دارد: بیمه‌گر مسؤول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود. از ظاهر این ماده چنین برمی‌آید که خسارات ناشی از تقصیر و خطای بیمه‌گذار، جزء استثنائات قرارداد بیمه قلمداد شده، لذا تحت پوشش بیمه‌نامه قرار نمی‌گیرد.

در واقع نمی‌توان به ظاهر این ماده اطمینان کرد و باید گفت که منظور از تقصیر در این ماده، تنها تقصیر عمدی است، زیرا ایراد خسارات غیر عمدی بیمه‌گذار که ناشی از تقصیر و خطا باشد، از عمده خطرات موضوع پوشش بیمه محسوب می‌شود و اصولاً بیمه‌های مسؤلیت برای پوشش‌دهی این خطرات ایجاد شده است. اگر غیر از این باشد، بیمه‌های مسؤلیت از اساس بی‌اعتبار می‌شوند. این در حالی است که ماده ۴ ق.ب. بیمه‌های مسؤلیت را معتبر شناخته است (۲۸).

- دسته دوم: حالت مستی، استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان مؤثر در وقوع حادثه: می‌توان در مقام بیان هدف قانونگذار از الزام بیمه‌گر به جبران خسارت زیان‌دیده و امکان

مراجعه او به راننده‌ای که در حالت مستی، استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان مؤثر موجب وقوع حادثه شده است دیدگاه‌های زیر را ارائه داد: نظر اول این است که می‌توان ارتکاب چنین اعمالی را مصداق بارز تقصیر سنگین محسوب کنیم و حکم آن را ملحق به حکم عمد بدانیم، زیرا تقصیر سنگین در بسیاری از نظام‌های حقوقی به ویژه نظام‌های مبتنی بر حقوق رم در حکم عمد شمرده شده است و احکام مشابهی برای هر دو وضع کرده‌اند؛ نظر دوم این است که حکم تقصیر سنگین در حقوق بیمه با حقوق مسؤلیت مدنی متفاوت است، به گونه‌ای که نظر غالب بر امکان بیمه‌کردن خسارات ناشی از تقصیر سنگین است، مگر آنکه در قرارداد خلاف آن شرط شود. اصولاً قراردادهای بیمه مسؤلیت، تقصیر سنگین بیمه‌گذار را نیز تحت پوشش قرار می‌دهند (۲۹).

در نظام حقوق انگلستان نیز، بیمه مسؤلیت در فرض تقصیر سنگین، معتبر شناخته شده و آن را مخالف نظم عمومی ندانسته‌اند (۳۰).

- دسته سوم: فقدان گواهی‌نامه رانندگی راننده مسبب یا متناسب‌نبودن آن با نوع وسیله نقلیه: یکی دیگر از مواردی که قانونگذار به بیمه‌گر اجازه رجوع و استرداد وجوه پرداخت شده را داده هنگامی است که راننده فاقد گواهی‌نامه باشد یا گواهی‌نامه او متناسب با وسیله نقلیه او نباشد که برای توجیه مبنای قانونی این رجوع، نویسندگان دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند: نظر اول این است که در فرضی که راننده فاقد گواهی‌نامه باشد یا گواهی‌نامه او متناسب با وسیله نقلیه او نباشد، عمل او در واقع در ایجاد حادثه عمد است، چون چنین کسی که فاقد تسلط کافی و مهارت در رانندگی است، نوعاً سبب تصادف و خسارت خواهد بود. بنابراین همان دلایلی که برای امکان مراجعه بیمه‌گر به راننده مسبب برشمردیم، در این مورد نیز قابل اعمال است (۳۱)؛ نظر دوم این است که مبنای حقوقی این رجوع این است که شرط ضمن قرارداد یا متعارف بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر این بوده که فردی رانندگی کند که گواهی‌نامه متناسب با آن نوع وسیله نقلیه را داشته باشد و از قوانین و علائم راهنمایی و رانندگی نیز آگاه باشد. در مقابل فرد فاقد گواهی‌نامه رانندگی ممکن است به لحاظ نداشتن

بیمه‌ای، اصل قائم‌مقامی را پذیرفتند و به استناد آن آرای خود را صادر کردند (۳۶؛۳).

در مقابل گروهی دیگر معتقدند که این مفهوم اساساً یک شیوه جبران خسارت منصفانه است که در قرن هجدهم توسط دادگاه‌های انصاف شناسایی شد تا از داراشدن غیر عادلانه افراد پیشگیری کند. بنابراین این دکترین بخشی از حقوق جبران خسارت یا همان اعاده به وضع سابق محسوب می‌شود که قواعد منصفانه در آن نقش عظیمی دارد (۳۷).

در انگلستان در برخی موارد بیمه‌گران برای جلوگیری از تکرار بیهوده اعمال قائم‌مقامی علیه یکدیگر طی توافقی‌هایی حق رجوع به یکدیگر را ساقط می‌کنند، چراکه هر بیمه‌گری به نوبه خود در موارد دیگری، بیمه‌گر مسؤولیت هم هست و از طرف دیگر طرح دعوا علیه بیمه‌گر مسؤولیت، متضمن صرف هزینه است که بیمه‌گران، به خصوص در حوادث رانندگی، به موجب موافقت‌نامه‌هایی خطرات را میان خود تقسیم می‌کنند. در نتیجه این توافقی‌ها، قائم‌مقامی منتفی می‌شود. یکی از انواع مهم این توافقی‌ها در حقوق انگلیس توافقی‌های ناظر به تصادم نامیده می‌شود (۳). با توجه به این پیمان و در صورت تصادف دو اتومبیل، بیمه‌گر بدنه هر اتومبیل، بدون توجه به بیمه شخص ثالث طرف مقابل، خسارت وارد به بیمه‌گذار خود را جبران و هر ادعایی علیه بیمه‌گر طرف مقابل را ساقط می‌کند. باید توجه داشت در این توافقی‌ها، هدف صرفه‌جویی و کاهش زمان و هزینه‌هاست (۳۸).

صرف نظر از این که مبنای این حق، عدالت و انصاف طبیعی باشد یا قواعد مندرج در کامن‌لا یا ناشی از شرط ضمنی طرفین در قرارداد بیمه، این یک اصل مسلم و پذیرفته‌شده در نظام حقوقی انگلیس است که حق قائم‌مقامی می‌تواند دارای مبنای قراردادی نیز باشد. بدین توضیح که طرفین می‌توانند با اندراج شروط صریح مربوط به حق قائم‌مقامی بیمه‌گر، دامنه این حق را توسعه یا کاهش داده و حتی بعضی از شرایط اساسی نظیر لزوم جبران خسارت زیان‌دیده برای انتقال حق رجوع به مسبب ورود زیان و اقامه دعوا و یا زمان آن را تغییر دهند.

مهارت و تسلط در رانندگی موجب تشدید خطر شود که در واقع تخلف از شروط ضمن عقد است (۳۲).

- قرارداد: در راستای مطالعه مبانی حقوقی اصل قائم‌مقامی، اصول و قواعد حقوقی و نیز قوانین موضوعه را بررسی کردیم و دانستیم که تنها مبنای قانونی این اصل، ماده ۳۰ ق.ب. است. اکنون یکی دیگر از مبانی حقوقی این اصل را که قرارداد است، تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

به موجب ماده ۲ ق.ب. عقد بیمه باید به موجب سند کتبی باشد، لذا بیمه‌نامه به عنوان یک سند در اختیار طرفین قرار می‌گیرد و در آن حدود وظایف و تعهدات و نیز حقوق طرفین در قالب شرایط عمومی، شرایط خصوصی و شرایط استثنائی تعیین می‌شود (۳۳).

شرایط عمومی بیمه‌نامه اغلب به شرایطی گفته می‌شود که کاربردی عام دارد و غالباً در متن بیمه‌نامه درج می‌شود و ناظر به مقررات آمره قوانین بیمه بوده و طرفین قرارداد ملزم به رعایت آن هستند (۳۴).

هدف از ذکر شرایط عمومی اغلب، شرح ماهیت و مفهوم حقوقی قرارداد، تعیین محدوده توافق طرفین در قالب قرارداد و اعلام دقیق انواع مزایای اعطایی به موجب قرارداد است. این شرطها در واقع پیکره رابطه قراردادی طرفین را تشکیل می‌دهند و به عنوان یک منبع حقوقی مستقل در تفسیر قرارداد نقش تأثیرگذاری دارند (۳۵).

۲- مبانی حقوقی اصل قائم‌مقامی در حقوق انگلستان

در خصوص مبنای حقوقی اصل قائم‌مقامی در نظام حقوقی انگلستان دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است که به تجزیه و تحلیل این موارد خواهیم پرداخت:

برخی از نویسندگان معتقدند که ریشه اصل قائم‌مقامی به حقوق رم برمی‌گردد. در حقوق رم، اگر کسی دین مسلم و محرز فرد دیگری را به شخص ثالث پرداخت می‌کرد، به همان میزان قائم‌مقام بستانکار می‌شد و می‌توانست آن را از مدیون اصلی مطالبه کند. این اصل حقوقی در اواخر قرن هجدهم وارد حقوق انگلستان شد و محاکم عدالت و محاکم عرفی این کشور در آرای مختلف و در موضوعات متعدد از جمله دعاوی

مضافاً این‌که ماده ۷۹ قانون بیمه دریایی انگلستان مصوب ۱۹۰۶ صراحتاً مقرراتی را در خصوص حق قائم‌مقامی بیمه‌گر وضع کرده است، اگرچه این قانون مختص بیمه‌نامه‌های دریایی است، لیکن گفته شده مقررات آن در خصوص سایر اقسام بیمه‌هایی که سرشت غرامتی داشته باشند نیز کاربرد دارد. این ماده تمایز آشکاری را بین حالتی که بیمه‌گران به علت وقوع ضرر کلی خسارت کامل را می‌پردازند با حالتی که به علت وقوع ضرر جزئی خسارت جزئی را می‌پردازند، ترسیم کرده است. تفاوت اساسی بین اصل قائم‌مقامی در خصوص خسارت کلی در مقابل خسارت جزئی این است که در حالت اول، علاوه بر حق قائم‌مقامی، بیمه‌گر نسبت به اموالی که از بیمه‌گذار باقی مانده نیز حق پیدا می‌کند، در حالی که در حالت دوم، فقط می‌تواند علیه شخص ثالث اقامه دعوا کند بدون این‌که نسبت به اموال موجود باقی‌مانده حقی داشته باشد (۳۹).

نتیجه‌گیری

در ایران برای تأیید رجوع بیمه‌گر به قائم‌مقامی می‌توان از قواعد حقوقی نظیر «لاضرر» و «منع سوءاستفاده از حق» استفاده کرد. در حقوق انگلستان بحث برگزیدن راه حل مناسب در مورد بیمه‌های بازرگانی با گزینش راه حل استرداد در قالب نظریه قائم‌مقامی بیمه‌گر به اتفاق نظری استوار و مسلم منتهی شده است. راه حلی که به برقراری سلسله مراتب میان دو نظام جبران خسارت مزبور منتهی شده است، موجب تحمیل بار نهایی زیان بر واردکننده آن می‌گردد (۳).

بنا بر آنچه ذکر شده، قانونگذار ایران، در باب طرح دعوای قائم‌مقامی بیمه‌گر، ماده ۳۰ ق.ب. مصوب سال ۱۳۱۶ را مبنای خویش قرار داده است، به گونه‌ای که این اصل در مواد ۱۴ و ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ قابلیت اعمال ندارد. اصولاً دعوای قائم‌مقامی بیمه‌گر در بیمه‌هایی قابل طرح است که دارای جنبه و ماهیت جبران خسارتی‌اند، در واقع در بیمه‌های مسئولیتی که دارای جنبه غرامتی و خسارتی است مشروط بر این‌که قائم‌مقامی با فلسفه بیمه

مسئولیت خاص منافی نباشد. در نظام حقوقی انگلستان، برخی، مبنای اصل قائم‌مقامی را قواعد ناشی از کامن‌لا، برخی دیگر، شرط ضمنی طرفین در قرارداد بیمه و گروهی دیگر، قواعد مبتنی بر عدالت طبیعی و انصاف دانسته‌اند. مع‌هذا ماهیت حقوقی اصل قائم‌مقامی در هر دو نظام حقوقی، نوعی قائم‌مقامی شخصی است که در اثر پرداخت دین دیگری حاصل می‌شود. با این توضیح که اگرچه بیمه‌گر نیز حسب قرارداد بیمه، مسؤول پرداخت خسارت به بیمه‌گذار است، لیکن از آنجا که مدیون نهایی، شخصی است که خسارت در نتیجه عمل زیان‌بار او ایجاد شده است، لذا بیمه‌گر به محض پرداخت خسارت یا قبول آن، به قائم‌مقامی از بیمه‌گذار حق خواهد داشت، بابت مبالغی که پرداخته به مسبب زیان مراجعه کند. در این راستا وی حق استفاده از کلیه حقوق و مزایایی را که بیمه‌گذار در برابر مسبب اصلی زیان داشته، دارد؛ در عین حال مکلف است در برابر کلیه ایرادات و دفاعیاتی که مسؤول زیان، حق استناد به آن‌ها را در برابر بیمه‌گذار داشته، پاسخگو باشد.

قائم مقام، جانشین یک شخص در موقعیت حقوقی شخصی دیگر است. قائم‌مقامی تفاوت‌های آشکاری با نمایندگی دارد. در مفهوم نمایندگی، شخص به نام و حساب دیگری به عمل حقوقی مبادرت می‌کند. آثار این عمل متوجه اصیل است. به این ترتیب آثار قرارداد متوجه قائم‌مقام می‌شود، در حالی که نماینده عقد را تشکیل می‌دهد و آثار عقد متوجه وی نیست؛ چه در حقوق ایران، چه در حقوق انگلستان قانونگذار گاهی قائم‌مقامی و نمایندگی را به جای یکدیگر استعمال نموده که این موارد نیاز به اصلاح دارند (۳).

در خصوص قائم‌مقامی بیمه‌گر و در مقایسه با اهمیت آن، قانون بیمه ایران بسیار مختصر به آن پرداخته و ابهامات فراوانی در این زمینه وجود دارد. همچنین تخصیص یک ماده آن هم به نحوی عام و کلی بدون این‌که اقسام قراردادهای بیمه و مسائل عملی مختلفی مورد توجه قرار گیرد، قابل ایراد است. لازم است تدابیر و تمهیداتی اندیشیده شود که با مساعدت و همکاری بیمه‌گذاران و مراجع ذی‌ربط، زمینه دسترسی به مسؤولان حادثه برای بیمه‌گران فراهم شود.

References

1. Oke MO. Insurance Sector Development and Economic Growth in Nigeria. *African Journal of Business Management* 2012; 6(23): 7016-7023.
2. Birds J. Norma-birds: Modern insurance law. 5th ed. London: Sweet and Max Well Limited; 2001.
3. Abbaslou B, Karami Qahi M. Deputy rule in insurance law. *Journal of Insurance Research Journal* 2015; 30(1): 241-267.
4. Gould N. Construction: Insurance Issues. 2003. Available at: <http://www.Fenwickellect.com>.
5. Karimi A. Property and Liability Insurance. 1st ed. Tehran: Faculty of Economics Publications; 1993. Vol.1.
6. Corpus J. Secundum, the Editorial Staff of West. Amazon: West Publishing Co; 1972.
7. Izanloo M. Article opposing the vice-insurer. *Journal of Private Law Studies* 2011; 40(4): 57-77.
8. Charles M. Subrogation. United Kingdom: Oxford University Press; 1994.
9. Handy P. Subrogation: Principles and Practices. United Kingdom: Brendan Mccarthy Publisher; 1883.
10. Mahmood Salehi J. Insurance Law. 3rd ed. Tehran: Central Insurance Institute of Iran; 2009.
11. Naimi A. Insurance Law. Tehran: Jangal Publisher; 2012. Ch.1.
12. Ebadi Bashir M. Legal Review of Agricultural Insurance. *Journal of Insurance Industr* 2009; 24(1-2): 157-186.
13. Jabbari G. Social Insurance: Supporting Low-Income Groups. *Transportation Industry Monthly* 1997; 3(67): 77-79.
14. Sam Aram E. Comparative Study of Social Insurance of Freelance Businesses in Six European Countries, Turkey and Iran. *Social Welfare Research Quarterly* 2004; 4(15): 99-121.
15. Hassanzadeh A. Investigating the Position of Credit Insurance in Iran. *Journal of World Insurance News* 2009; 11(134): 3-28.
16. Khorrami F. Application of Insurance Principles in Credit Insurance. *Journal of Insurance Industry* 1996; 8(44): 42-60.
17. Brown B. Short-Term Export Credit Insurance from a Legal Perspective. Translated by Young Justice O, Givi China J. *Insurance Industry Quarterly* 2006; 11(42): 41-67.
18. Clarke M. Policies and perceptions of insurance law in the Twenty-first century. United Kingdom: Oxford University Press; 2005.
19. Olfati M. Non-Profit Insurance: Compensates for Financial Loss due to Accidental Occupation. *Asia Special Journal Fall & Winter* 2005; 3(36-37): 24-30.
20. Jalali Lavasani E. Non-Profit Insurance and Investigating Factors Affecting its Demand. *World Insurance News* 2009; 12(140-141): 16-27.
21. Garn W, Thomas H. 20 holt/land mark law summaries: Insurance Law, Holt, Rinehart and Winston, INC. Amazon: Holt, Rinehart and Winston Publisher; 1970.
22. Izanloo M. Insurance and Civil Liability. Tehran: University of Tehran; 2008. Ch 1 ,pp 675-874.
23. Naseri H. Insurer and Insurer Responsibility in Property Insurance with Comparative Study in Imamieh Jurisprudence. MSc Thesis. Tehran: Imam Sadeqh University; 2008.
24. Sadeghat M. Specific Rules of Personal Insurance in Iranian Law with a Comparative Study in Imamiyyah Law and English Law. MSc Thesis. Tehran: Imam Sadiq University; 2007.
25. Soltani-Nejad H. Legal Effects of Accident and Cure Insurance, Part I. *World Insurance News* 2010; (144-145): 6-15.
26. Zolfaghar Khani M. Insurance Law in the field of auto insurance. 1st ed. Tehran: Nabavi Publisher; 2009.
27. Khodabakhshi A. Insurance Law and Civil Liability. 1st ed. Tehran: Jangal Publisher; 2009.
28. Babaei I. Insurance Law. 8th ed. Tehran: Samt Publisher; 2009.
29. Babaei I. Civil Liability and Insurance. *Law and Policy Research Journal* 2001; 3(4): 69-91.
30. Gilliv Ray M. Insurance law. 9th ed. Amazon: Carswell Legal Pubns Publisher, Sweet & Maxwell; 1997.
31. Darouhi A. Vice-Chancellor of Payments, (Doctoral dissertation). Tehran: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran; 2004.
32. Emami Pour M. A Look at Third Party Insurance Law and Judicial Decisions. *Insurance Industry Quarterly* 2001; 16(2): 33-56.
33. Khajoui Rad H. Insurance Principles. 1st ed. Qazvin: Islamic Azad University of Qazvin; 2009.
34. Naami A. Principles of Scientific and Practical Insurance, Including English and Persian Dictionary.

1st ed. Tehran: Asadvara Institute for Printing and Publishing; 2005.

35. Elsan M. General Conditions of Life Insurance from the Perspective of Comparative Law: The Need to Legalize the Insurance Practices. *New Worlds of Insurance* 2008; 12(123-124): 5-18.

36. Jing Z. The Confusion between Subrogation and Assignment in Insurance Law. China: JBL Publisher; 2000.

37. Opinions of the Lords of Appeal for Judgment in the Case: *Bauque Financier de la cite V. Parc (Battersea) Limited and Others*. United Kingdom: UKHL Publisher; 2007.

38. Fleming J. International encyclopedia of comparative law, torts. Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers; 1971. Vol.1 Ch.11.

39. Kyriaki N. The Principle of Indemnity: Marin Insurance Contracts: A Comparative Approach. Germany: Springer-Verlag Publisher; 2007.